

## اعتبارسنجی الگوی برنامه درسی مطالعات اجتماعی با محوریت مولفه‌های آموزش شهروندی و آموزش صلح یونسکو مریم گلشانی<sup>۱</sup>، بدیع الزمان ملکی آل آقا<sup>۲</sup>، علاءالدین اعتماد اهری<sup>۳</sup>

### چکیده

هدف پژوهش حاضر، اعتبارسنجی الگوی برنامه درسی مطالعات اجتماعی با محوریت مولفه‌های آموزش شهروندی و آموزش صلح یونسکو بوده است. روش تحقیق توصیفی از نوع پیمایشی بود. جهت اعتبارسنجی، جامعه آماری در این بخش همه اساتید علوم تربیتی، برنامه ریزی درسی در دانشگاه‌های آزاد شهر تهران بوده اند. پرسشنامه تایید اعتبارشده بر روی ۱۰۰ معلم دوره ابتدایی شهر تهران اجرا شد. روش نمونه گیری به صورت غیر تصادفی و از نوع زنجیره ای (گلوله برفی) بود. اعتبارسنجی داده‌ها با استفاده از ضریب توافق برای اعتبارسنجی برنامه درسی انجام شد. داده‌های جمع آوری شده با استفاده از نرم افزار Smart PLS تجزیه و تحلیل شد. برای محاسبه ضریب توافق کندال متخصصان، نسبت مجموع افرادی که گزینه‌های زیاد و خیلی زیاد را انتخاب کرده بودند به کل متخصصین تقسیم شد. نتایج تحلیل عاملی تاییدی نشان داد که عوامل شناسایی شده قابل قبول بوده و از روایی سازه لازم برخوردارند. همچنین بررسی نظرات متخصصان نشان داد مولفه‌های مطرح شده در الگوی برنامه درسی مطالعات اجتماعی با درجه بالایی از توافق همراه بوده است.

**کلید واژه‌ها:** مطالعات اجتماعی، آموزش شهروندی و آموزش صلح یونسکو.

پدیرش مقاله: ۱۳۹۹/۴/۷

دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۱/۲۷

<sup>۱</sup> - دانشجوی دکترای برنامه ریزی درسی گروه علوم تربیتی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران  
golshani.maryam588@gmail.com

<sup>۲</sup> - استادیار دانشکده علوم تربیتی و مشاوره دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، ایران (نویسنده مسئول)  
badimkyalaqa@gmail.com

<sup>۳</sup> - استادیار دانشکده علوم تربیتی و مشاوره دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، ایران  
etemadahari.alaedin@gmail.com

## مقدمه

آموزش مفاهیم شهروندی و صلح می‌بایست جزء لاینفک آموزشها در خصوص زندگی اجتماعی به همه اقشار جامعه و به ویژه کودکان و نوجوانان باشد. فرهنگ شهروندی، در واقع فرهنگ در قالب سبک کلی زندگی انسانی است (یونسکو، ۲۰۱۰) و شهروند به عنوان هر عضو محق و مسئول اجتماع انسانی که احساس تعلق و تعهد نسبت به بافت جمعی دارد و شالوده جامعه مدنی را شکل می‌دهد. شهروند مفهومی فراتر از یک جایگاه قانونی صرف در تبعیت از دولت می‌یابد و با تغییر سبک زندگی و شکل‌گیری حقوق و تکالیف جدید انسانی اهمیتی خاص یافته و شهروند به انواع شهروندی مبدل گشته است (شاه طلبی، قلی زاده و شریفی، ۱۳۸۹).

آموزش مفاهیم شهروندی و صلح در مدرسه از ضرورت‌های آموزشی است. اول به دلیل اینکه در مدرسه، عوامل مختلفی وجود دارد که می‌تواند آموزشهای شهروندی را تسهیل نماید. عوامل متعددی در مدرسه از قبیل معلم و نحوه تعامل وی با دانش آموزان، همسالان در مدرسه، کتاب‌های درسی از جمله عوامل مدرسه ای هستند که در اجتماعی شدن دانش آموزان دختر و پسر نقش اساسی ایفا می‌نمایند (بیگلر<sup>۱</sup>، ۲۰۱۴). دومین دلیل برای آموزش شهروندی و صلح در مدرسه، وجود برخی ناهنجاریهای اجتماعی در مدرسه است که می‌توان وجود آنها را به نبود آموزشهای لازم در حیطه شهروندی نسبت داد (مظاهری، شیرینی و ولی پور، واتر، لستر و گراس<sup>۲</sup>، ۲۰۱۴). این امر در دوره ابتدایی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. در خصوص تعیین محتوای مطلوب برای آموزش شهروندی و صلح یونسکو، می‌توان از مولفه‌ها و ابعاد معرفی شده از این دو مفهوم کمک گرفت. در حوزه شهروندی جو کواک (۲۰۰۷) صداقت را یکی از ارزش‌های با اهمیت و جزء خصائل شهروندی می‌داند. همچنین گیسون (۲۰۰۹) صداقت را به عنوان یکی از ابزارهای توسعه سریع دانش و مهارت‌ها در قرن بیست و یکم و فرآیند جهانی شدن به دانش آموزان معرفی می‌کند (به نقل از شاه طلبی و دیگران، ۱۳۸۹).

متمم پیشنهاد یونسکو درباره آموزش صلح مستلزم این است که آموزش صلح به عنوان یک اصل فراگیر در آموزش به رسمیت شناخته شود. یعنی در تدریس، این رویکرد صرف نظر از موضوع یادگیری، جهانی شود و محتوای آموزش صلح وارد همه فعالیت‌های تدریس شود. گنجاندن

<sup>۱</sup> . Bigler

<sup>۲</sup> . Waters, Lester, Cross

آموزش صلح در آموزش در یک مقیاس بزرگ، مستلزم یادگیری شیوه جدیدی در تربیت مربیان شاغل در آموزش است. آموزش صلح باید ابتدا افراد را به سوی یک وظیفه شناسی درونی هدایت کند، به طوری که مفاهیم آموزش صلح را بر اساس وظیفه شناسی درونی خود به صورت عملی محقق نمایند. برنامه ریزی و سازمان دادن به تربیت مربیان در هر کشور، باید به عنوان قسمتی از متمم اصول پیشنهادی یونسکو مورد توجه قرار گیرد (فلاح نودهی، ۱۳۸۸). امروزه نظامهای آموزشی کشورهای مختلف جهان در اشکال و ابعاد گوناگون به آموزش و تربیت شهروندی و شهروند جهانی توجه دارند. برای مثال در نظام آموزش و پرورش کشور انگلستان، همانطور که گروه مشاوره ی شهروندی در این کشور پیشنهاد داده، زمان اختصاص داده شده در برنامه ی درسی مدارس متوسطه، مؤثرترین راه برای آموزش شهروندی است تا با ارائه ی برنامه درسی ثابت، جوانان را به صورت شهروندانی فعال درآورند. در این کشور، وزارت آموزش و مهارتها نگرشی روشن به آموزش شهروندی دارد که به مدارس، اختیار لازم را در ارائه ی مدل‌های مختلف آموزش شهروندی داده است (مورگان، ۲۰۱۶).

شهروندی نشانه ای از شمول یک جامعه سیاسی یا تعلق به آن است و در این معنا (احساس تعلق) است که سرچشمه هویت محسوب می شود. هر جامعه در هر دوره زمانی در نتیجه مقتضیات خود از انسان‌هایی که عضو آن هستند مطالبات معینی دارد که از ذات زندگی اجتماعی سرچشمه می گیرد. لذا در پرتو مجموعه فعالیت‌های هدفمند و سنجیده، جامعه سعی بر آن دارد که فرد مورد پسند خود را به عنوان شهروندان امروز و فردا مجهز به مهارت‌هایی نماید که او بتواند در عرصه زندگی فردی، اجتماعی، اقتصادی و فنی نقش موثری ایفا کند. جوامع مختلف دیدگاه‌های متفاوتی درباره آنچه که شهروندی را تشکیل می‌دهد، حقوقی که به شهروندان اعطاء می‌شود و وظایفی که آنان بایستی برای دستیابی به این حقوق انجام دهند، دارند. اگر چه تمامی فرهنگ‌های سیاسی برداشت‌های مختلفی از شهروند ارائه می‌کنند، اما جنبه‌های مشترک معینی نیز وجود دارد. در یک تعریف کلی شهروند به معنای عضو پذیرفته شده ای یک دولت - ملت بودن، تعریف می‌شود.

شهروندی دارای ماهیت دو گانه اجتماعی و سیاسی است. ماهیت اجتماعی به این نکته اشاره دارد که شهروندان چگونه باید با یکدیگر تعامل کنند، در حالیکه جنبه سیاسی آن به تعامل شهروندان با

دولت اشاره دارد. گرچه هر دو جنبه برای یک شهروند جهت مشارکت در یک جامعه دموکرات اساسی هستند (بن حبیب<sup>۱</sup>، ۲۰۱۱).

وستهایمر و کاهن، سه نوع شهروند را نام می‌برند؛ شهروند شخصاً مسؤول که در جامعه به طور فردی فعالیت می‌کند. شهروند مشارکتی؛ کسانی هستند که فعالانه در امور مدنی و زندگی اجتماعی جامعه در سطح محلی و ملی مشارکت می‌کنند، و در نهایت شهروند عدالت محور که توجه آشکاری را نسبت به موضوعات بی‌عدالتی و همچنین نسبت به پیگیری نمودن عدالت اجتماعی ارایه می‌دهند. آراستگی شخصی، دانش محوری محلی - ملی و جهانی، سخت کوشی، مسئولیت پذیری، بسط ارتباطات انسانی، کل‌نگری، احترام به اصول اخلاقی و تفکر انتقادی، توجه به نفع عمومی، مشارکت در زمینه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، درک نیازها و نگرش‌های دیگران، رفتار متعهدانه (فتحی و اجارگاه، ۱۳۸۸) از جمله مولفه‌های رفتار شهروندی معرفی شده‌اند. یونسکو سال ۲۰۰۰ میلادی را سال فرهنگ و صلح و سازمان ملل سال ۲۰۱۰-۲۰۰۱ را دهه بین‌المللی فرهنگ صلح اعلام کردند. یونسکو تنها سازمان بین‌المللی است که از وظایف اصلی و کلیدی آن پرداختن به مسائل آموزشی به شمار می‌آید. این سازمان مؤلفه‌های صلح را به شرح زیر اعلام می‌کند:

۱. دموکراسی (حقوق بشر)<sup>۲</sup>
۲. تعاون و همبستگی<sup>۳</sup>
۳. حفظ فرهنگ‌ها<sup>۴</sup>
۴. خود و دیگران<sup>۵</sup>
۵. جهان وطنی<sup>۶</sup>
۶. حفاظت از محیط زیست<sup>۷</sup>
۷. معنویت<sup>۱</sup> (یونسکو، ۲۰۱۵).

---

۱ . Benhabib  
 ۲ . Human Rights  
 ۳ . Co-operation and Solidarity  
 ۴ . Preservation of Cultures  
 ۵ . Self and Others  
 ۶ . Internationalism  
 ۷ . Protection of the Environment

آموزش می تواند از طریق گوناگون در جهت توسعه فرهنگ صلح همکاری نماید. آموزش از آن رو که متوجه افراد جوان و پرشور است. و از آن رو که با کارشناسان و مدیران تخصصی اجتماعی سروکار دارد. تا در سطوح گوناگون، هم در قلمرو عمل و هم در قلمرو نظر منشأ اثر باشد. پس نکته مهم این است که بذری صلح باید با استفاده از بستر مناسبی که آموزش و پرورش صلح ایجاد می کند افشاندن شود. تا از این طریق آرزوی جهانی برای صلح با پرورش شهروند صلح طلب و صلح جو تحقیق یابد. این آرزو، زمانی تحقق پیدا می کند که آموزش صلح، در زمره غایات بنیادی نظام های آموزشی قرار گیرد» از آنجایی که کتاب های درسی در نظام آموزش و پرورش ایران محور اصلی تعلیم و تربیت است و همچنین با توجه به اهمیت آموزش صلح در تربیت شهروند جهانی، محتوای کتاب ها باید بر اساس اهداف مندرج در اسناد ملی کشور باشد، لذا اهداف باید در راستای صلح و مؤلفه های آن باشد (فلاح نودهی، ۱۳۸۸).

هدف اصلی آموزش، افزایش دادن درک و بینش جهانی است که همه افراد را قادر می سازد همانند یک شهروند جهانی رفتار کنند و شرایط موجود را از طریق ایجاد تغییر در ساختارهای اجتماعی جامعه متحول سازند. از این رو می توان گفت که این بینش و تمایل به تغییر در کانون مبحث آموزش صلح قرار دارد. لذا آموزش برای صلح باید بر تمامی بخش ها و ابعاد زندگی مدرسه اعم از یادگیرندگان، معلمان و مدیران نفوذ کند. سازمان یونسکو آموزش صلح را جهانی مطرح کرده، معتقد است که همه کشورها در کره زمین به صلح نیازمندند و باید به صلح فکر کنند و راه های استقرار آن را بیابند آموزش صلح حیطه گسترده ای است که آموزش های دیگر از جمله آموزش محیطی، آموزش حقوق بشر و آموزش بین المللی آموزش خلع سلاح مرتبط با آن است (حاجی زاده و کرمی، ۱۳۹۳). موضوع آموزش صلح را شامل پنج مقوله می باشد: آموزش بین المللی، آموزش توسعه، آموزش محیطی و آموزش حل تعارض اهمیت آموزش صلح در جهان امروز تا حدی است که انجمن تخصصی با عنوان مؤسسه بین المللی آموزش صلح تأسیس شده است و هر سال با گرد هم آوردن متخصصان سرتاسر جهان، موضوعات مرتبط با صلح را مورد بررسی قرار می دهد (جنکینز<sup>۲</sup>، ۲۰۰۸؛ به نقل از حاجی زاده و کرمی، ۱۳۹۳).

<sup>۱</sup> . Spirituality

<sup>۲</sup> . Jenkins

یکی از چالش‌های قرن ۲۱ ارائه آموزش‌هایی در زمینه دوستی بوده است و هدف باید تربیت شهروندانی باشد که بتوانند صلح را در جهان حاکم سازند. ولی نظام‌های آموزشی و مدارس، مثلاً نظام آموزشی آمریکا در تربیت شهروندان صلح‌جو کوتاهی نموده، اغلب روی دانش و مهارت‌های دانش‌آموزان تأکید می‌کند بدون این که توانایی آنها را برای دوست داشتن و حمایت دیگران پرورش دهند (یونسکو، ۲۰۱۵). برای توجه به مولفه‌های آموزش صلح، باید به همه عناصر مرتبط با این آموزش توجه نمود. آموزش و پرورش ایران اگر بخواهد هویت ملی و نظام ارزشی را تحکیم و اعتلا بخشد، باید نگرش آن به برنامه‌های درسی و فعالیت‌های کلاس و مدرسه تغییر یابد. یافته‌های پژوهش‌ها نشان می‌دهد که با توجه به نبود امکانات و فرصت‌های مناسب برای معلمان، آگاهی این افراد از مؤلفه‌های آموزش صلح از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست. در این بین، موضوع مورد توجه این است که آموزش باید حرکتی برای توسعه آگاهی معلمان صورت دهد و هرگونه تغییر مثبت در جهت ارتقای آگاهی معلمان از مؤلفه‌های صلح به منظور ایجاد فضایی برای گسترش آموزش صلح نیازمند رویارویی با نقش ارزش‌ها در کتب درسی مدارس است و برای این منظور باید سیاست‌های خاصی در نظر گرفته شود. نتایج این تحقیقات نشان داد که مؤلفه‌های آموزش صلح به درستی وارد محتوای کتاب‌های درسی مدارس مقطع راهنمایی نشده است و میزان پرداختن به این مؤلفه‌ها در دروس کتاب‌های درسی این مقطع بسیار کم و ناچیز بوده است (حاجی زاده و کرمی، ۱۳۹۳).

محتوای برنامه درسی در راستای اهداف مورد نظر نظام آموزشی هر کشوری است، این امر نشان دهنده این است که در اهداف مورد نظر نظام آموزشی توجه گسترده‌ای به برنامه‌های آموزش صلح در مدارس نشده است. معلمان عامل مهمی در موفقیت اجرای آموزش صلح در برنامه‌های درسی هستند. آنها باید فرصت‌هایی را برای کسب مهارت‌های دانش‌آموزان و درک موقعیت‌های اضطراری ایجاد کنند و سپس راه‌حل‌های صلح‌آمیز را به جای اعمال خشونت آمیز آموزش دهند. معلمان و دانش‌آموزان باید یاد بگیرند که گوش بسپارند، در کلاس‌های درس از آزادی بیان و تنوع فرهنگی دفاع کنند و همواره برای گفت و شنود بدون تعصب اولویت قائل شوند و همبستگی و مشارکت را با رعایت اصول آزادی و حقوق بشر ترویج دهند و مذاهب و ادیان متفاوت را مانع در روابط ندانند و از هر روش و اندیشه‌ای که موجب جدایی و تمایز و اختلاف

بین پیروان ادیان مختلف می شود، پرهیزند. معلمان باید عوامل خشونت را بشناسند و برای از بین برده آنها فعالیت کنند. یادگیری مبتنی بر همکاری و مباحث گروهی موجب اشاعه روح دموکراسی و ارتقای مهارت‌های گفتاری و رفتاری دانش آموزان می گردد (یونسکو، ۲۰۱۵). کاری که در مدارس امروز کشور ما به ندرت اتفاق می افتد. این امر نشان می دهد که نظام آموزشی کشور ما اولاً باید برنامه‌های آموزش صلح را در محتوای کتاب‌های درسی مدارس بگنجاند و ثانیاً فرصت آگاهی معلمان را از اهمیت اجرای این مؤلفه‌ها در کلاس‌های درس بیشتر فراهم سازد.

دتریچ لا<sup>۱</sup> (۲۰۱۱) پژوهشی تحت عنوان مولفه‌های موثر بر فرایند فرهنگ پذیری انجام داده است. هدف از این پژوهش بررسی مولفه‌های مختلف موثر بر فرایند فرهنگ پذیری بوده است. روش این پژوهش به صورت کتابخانه ای بوده است. نمونه‌های پژوهشی نیز شامل مقالات، کتاب‌ها و منابع اینترنتی مرتبط با فرهنگ پذیری بوده است. بر اساس نتایج این پژوهش در فرهنگ پذیری افراد عوامل عدیده ای موثر می‌باشد که در این بین می توان به محیط خانواده، دوستان و همسالان، مدرسه و معلم به عنوان الگوی دانش آموزان اشاره کرد. الباس<sup>۲</sup> (۲۰۱۰) در پژوهشی با عنوان مفهوم شهروندی برای دانش آموزان ابتدایی نشان می‌دهد که غنی سازی فرهنگ شهروندان یکی از راههای اساسی توسعه و پیشرفت است. اعتلای فرهنگ شهروندی جز با آموزش و آگاهی بخشیدن از حقوق، وظایف و مفاهیم اساسی مربوط به شهروندی و رفتار مناسب در این خصوص ممکن نیست. رشد و آماده سازی شهروندان برای زندگی از اهداف مهم نهادهای مختلف اجتماعی است.

علیزاده و عمویی (۱۳۹۳) پژوهشی با عنوان ارزیابی آموزش مؤلفه‌های شهروندی در دانشگاه علوم پزشکی مازندران انجام دادند. روش پژوهش زمینه یابی است. جامعه ی آماری پژوهش شامل دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی مازندران به تعداد ۴۵۳۹ نفر است. با استناد به نتایج آزمون t تک گروهی، دانشجویان از دانش شهروندی برخوردار نمی‌باشند و در دانش شهروندی بین دانشجویان دختر و پسر تفاوت معناداری وجود دارد. در بین دانشجویان دانشکده‌های مختلف از لحاظ دانش شهروندی تفاوت معناداری وجود دارد. دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی مازندران از نگرش

<sup>۱</sup> Dietrich Law

<sup>۲</sup> Alabas

شهروندی برخوردار می‌باشند. در نگرش شهروندی بین دانشجویان دختر و پسر تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. بین دانشجویان دانشکده‌های مختلف در میزان نگرش شهروندی با یکدیگر تفاوت معنی‌داری وجود دارد. دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی مازندران از مهارت شهروندی برخوردار می‌باشند. عبدالرحیمی‌بارنجی (۱۳۹۰) در پژوهش خود تحت عنوان تحلیل محتوای برنامه‌های تلویزیون بر اساس مولفه‌های آموزش شهروندی با پرسش‌هایی از قبیل جهت‌گیری تلویزیون نسبت به آموزش شهروندی به چه صورت بوده است و منابع آموزش شهروندی در تلویزیون چه می‌باشد و امثال آن به این نتایج دست یافته است که رسانه‌های تصویری (تلویزیون) می‌توانند با ارائه الگوهای رفتاری، چهارچوبهای مرجع و اطلاعات مطلوب، به افزایش مهارتهای شهروندی و شکل‌گیری رفتارهای مدنی کمک کنند. این مفاهیم و مولفه‌ها در برنامه‌های آموزشی بیش از برنامه‌های سرگرمی و تفریحی اعم از سریال‌های تلویزیونی به چشم می‌خورد.

دغدغه توجه به آموزش شهروندی در دهه‌های اخیر در بین متولیان امر تعلیم و تربیت و سایر افراد ذی‌صلاح بیانگر نقطه آغاز توجه به تربیت و آموزش شهروندی است. از این رو بحث آموزش‌های شهروندی امروزه در اکثر کشورهای جهان مورد توجه واقع شده و برنامه‌هایی از جمله برنامه آموزشی مبتنی بر صلح جهانی که یونسکو آن را تهیه و تدوین نموده است، کانون توجه صاحب‌نظران تعلیم و تربیت و جامعه‌شناسان قرار گرفته است. توجه به آموزش‌های شهروندی پدیده نسبتاً جدیدی است که امروز در ادبیات فرهنگی جهان خودنمایی می‌کند. در این میان تربیت شهروندان متمدن از جمله مهمترین اهداف برنامه‌ها و آموزش‌های شهروندی است (شاه‌طالبی و قپانچی، ۱۳۹۲).

### سوال تحقیق

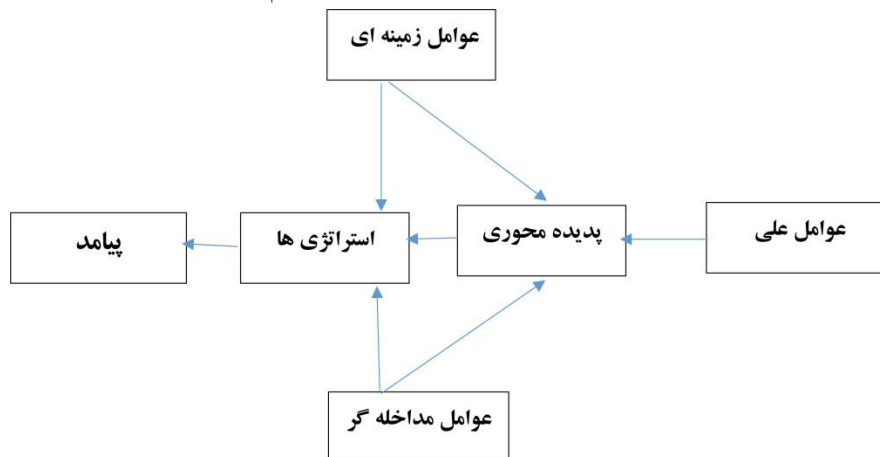
الگوی برنامه درسی مطالعات اجتماعی با محوریت مولفه‌های شهروندی و صلح یونسکو از چه میزان اعتبار برخوردار هستند؟

### روش تحقیق

این پژوهش با روش پیمایشی و در دو بخش صورت گرفته است و هر دو بخش به منظور اعتباریابی برنامه درسی طراحی شده، اجرا شده است. برنامه درسی طراحی شده به همراه پرسشنامه مربوط به اعتباریابی این برنامه در اختیار ۳۰ تن از اساتید برنامه‌ریزی درسی، تعلیم و تربیت و جامعه‌شناسی قرار گرفته است و طبق نظر آنها اصلاحات لازم در برنامه صورت گرفته و ضریب اعتبار برنامه محاسبه شده است. به علاوه،



براساس سرفصلهای به دست آمده در مدل آموزش شهروندی و صلح یونسکو، پرسشنامه ای طراحی گردید و در اختیار ۱۰۰ معلم مقطع ابتدایی قرار گرفت و داده‌های جمع آوری شده با استفاده از نرم افزار آماری نرم افزار **Smart PLS** استفاده و تحلیل شد. جهت اعتبارسنجی الگوی طراحی شده، جامعه هدف در این بخش شامل همه اساتید علوم تربیتی، برنامه ریزی درسی در دانشگاههای آزاد شهر تهران بوده اند. به علاوه، معلمان دوره ابتدایی نیز جامعه آماری این مرحله را تشکیل می‌دادند. از نظرات متخصصین به منظور روایی صوری و محتوایی درخصوص عوامل کشف شده بهره برده شد. در پژوهش حاضر، روش نمونه گیری به صورت غیر تصادفی و از نوع زنجیره ای (گلوله برفی) بود. بر این اساس با بهره گیری از این روش، تعداد مورد نیاز برای تایید و اعتبارسنجی الگوی طراحی شده از اساتید علوم تربیتی، برنامه ریزی درسی در دانشگاههای دولتی و آزاد شهر تهران انتخاب شدند. در این مرحله از نظرات ۳۰ نفر استفاده شده است. در مرحله بعد برای تعیین مدل تخمینی پژوهش، پرسشنامه تهیه شده بر روی ۱۰۰ معلم دوره ابتدایی اجرا شد که این تعداد به صورت مرحله‌ای تصادفی از بین مناطق شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز شهر تهران انتخاب شدند. به این صورت که ابتدا شهر تهران به این ۵ ناحیه تقسیم شد و مناطق هر ناحیه مشخص شد. از هر ناحیه به تصادف یک منطقه و از نواحی مختلف هر منطقه یک ناحیه به تصادف انتخاب شد و از فهرست مدارس ابتدایی آن ناحیه، سه مدرسه به تصادف انتخاب شد. اعتبارسنجی داده‌ها با استفاده از ضریب توافق برای اعتبارسنجی برنامه درسی، بررسی شد. برای اعتبارسنجی داده‌ها تعداد ۳۰ نفر از کارشناسان در نظر گرفته شد. برای محاسبه ضریب توافق کندال متخصصان، نسبت مجموع افرادی که گزینه‌های زیاد و خیلی زیاد را انتخاب کرده بودند به کل متخصصین تقسیم شد.



شکل ۱. مدل مفهومی برنامه درسی آموزش شهروندی و صلح

**یافته‌ها**

پس از بررسی‌های به عمل آمده، به گزارش روش کمی پژوهش در خصوص نظرات متخصصان و معلمان درس مطالعات اجتماعی در خصوص سرفصلهای شکل گرفته در الگوی برنامه درسی مطالعات اجتماعی مبتنی بر آموزش شهروندی و صلح یونسکو پرداخته می‌شود. اعتبار سنجی داده‌ها با استفاده از ضریب توافق برای اعتبار سنجی برنامه درسی، بررسی شد. برای اعتبار سنجی داده‌ها تعداد ۳۰ نفر از کارشناسان در نظر گرفته شد. برای محاسبه ضریب توافق کندال متخصصان، نسبت مجموع افرادی که گزینه‌های زیاد و خیلی زیاد را انتخاب کرده بودند به کل متخصصین تقسیم شد. در نهایت پرسشنامه نهایی شده در اختیار ۱۰۰ معلم دوره ابتدایی قرار گرفت.

**جدول ۱. ارزیابی سرفصلهای اساسی در برنامه درسی آموزش شهروندی و صلح**

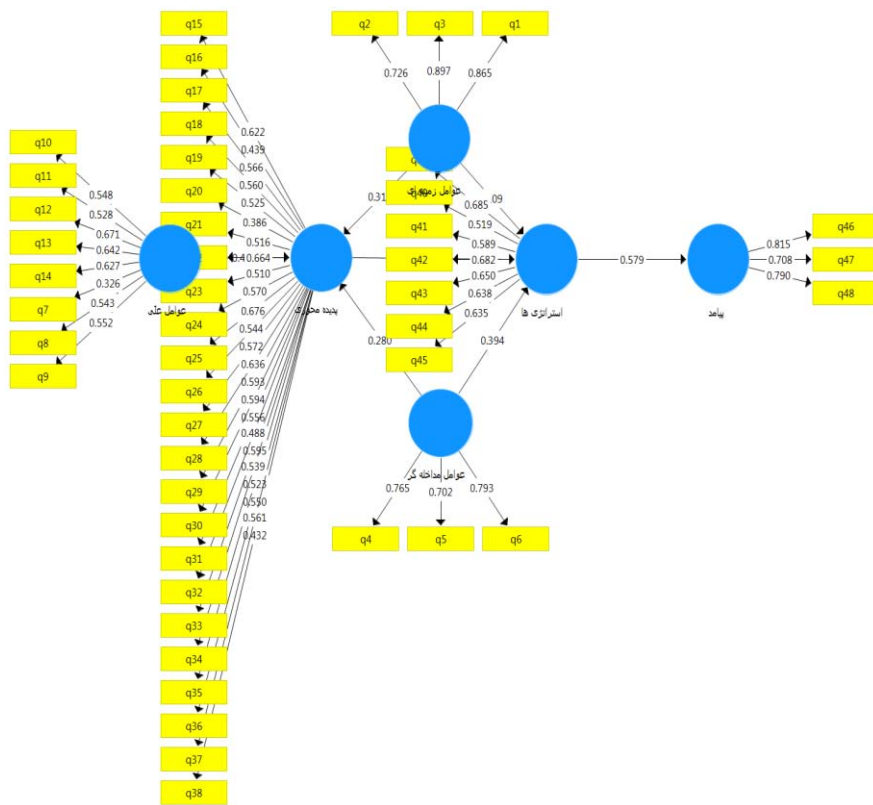
عناصر برنامه درسی	سرفصلها	کاملا موافقم	موافقم	مخالفا کاملا مخالفم
عوامل زمینه‌ای	توسعه عدالت	۱۹	۱۱	-
	سلامت اجتماعی	۲۱	۹	-
	وجود زمینه‌های قانونی مناسب	۲۰	۱۰	-
عوامل مداخله‌گر	آمادگی معلمان و مسئولین مدرسه	۲۶	۴	-
	الگو بودن معلم	۲۷	۳	-
	مدرسه مقیاس کوچک از جامعه	۲۲	۸	-
عوامل علی	آموزش سیاسی	۲۰	۱۰	-
	آموزش اجتماعی	۱۹	۱۱	-
	ارزشهای اخلاقی	۲۳	۷	-
	توسعه فرهنگی	۲۴	۶	-
	بازسازی فرهنگی	۱۹	۱۱	-
	توسعه صلح	۲۴	۶	-
	مهارت مشارکت مدنی	۲۱	۹	-
	مهارت زندگی جمعی	۲۶	۴	-
	افزایش آگاهی سیاسی	۲۷	۳	-
پدیده	دانش سیاسی بین‌المللی	۱۹	۱۱	-
	مشارکت سیاسی	۲۵	۵	-
	توانایی کسب دانش اجتماعی	۲۱	۹	-
	دانش اجتماعی	۲۲	۸	-
	آموزش زیست محیطی	۱۹	۱۱	-
	ارزشهای حاکم بر جامعه	۲۶	۴	-

۲۳	۷	-	میراث فرهنگی	
۲۵	۵	-	انتخاب دیدگاه چندفرهنگی	
۲۱	۹	-	فرهنگ جهانی	
۲۵	۵	-	آموزش ارزشهای اخلاقی	
۲۷	۳	-	آموزش نوع دوستی	
۲۸	۲	-	آموزش مسئولیت پذیری	
۲۶	۴	-	مهارت تصمیم گیری درست	
۲۶	۴	-	مهارت برقراری ارتباط	
۲۷	۳	-	تفکر انتقادی	
۲۹	۱	-	مشارکت مدنی	
۲۵	۵	-	توسعه عدالت	
۲۶	۴	-	دیگرپذیری	
۲۷	۳	-	رشد باورهای درونی صلح آمیز	
۲۸	۲	-	صلح بیرونی	
۲۴	۶	-	روابط صلح آمیز	
۲۷	۳	-	اجتناب از خشونت	
۲۵	۵	-	حل تعارض	
۲۵	۵	-	آموزش از طریق گروههای غیررسمی	استراتژی
۲۶	۴	-	دانش آموز، عضو فعال جامعه	
۲۷	۳	-	مدرسه مقیاس کوچکی از جامعه	
۲۶	۴	-	استفاده از دروس مختلف	
۲۷	۳	-	کلاس فعال	
۲۸	۲	-	الگوی بودن معلم	
۲۴	۶	-	ارزشیابی عملکردی	
۲۶	۴	-	بازسازی فرهنگی	
۲۷	۳	-	افزایش انسجام اجتماعی	پیامدها
۲۸	۲	-	بهبود جو مدرسه	

جدول فوق، توزیع فراوانی پاسخ متخصصان در خصوص مناسب بودن مولفه‌های برنامه درسی آموزش شهروندی و صلح را نشان می‌دهد.

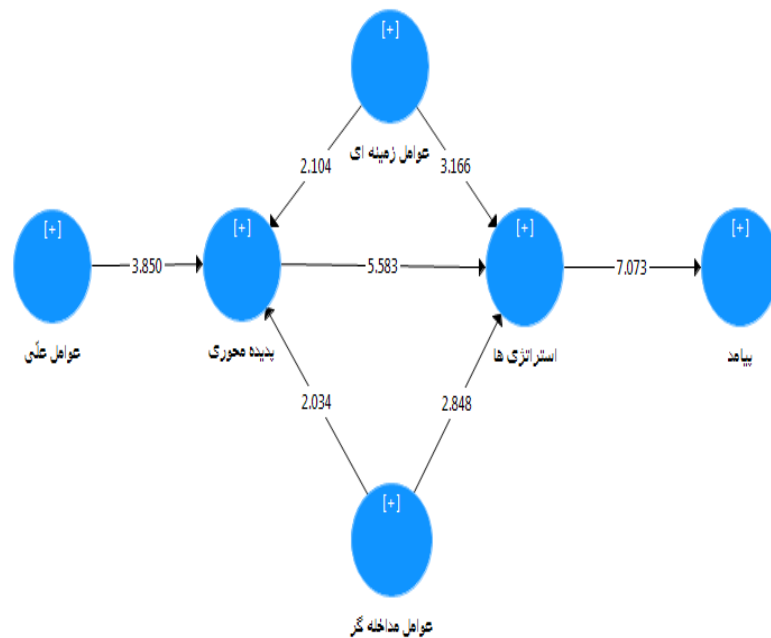
بررسی نظرات متخصصان نشان می‌دهد که هیچکدام از متخصصان، با مولفه‌های مطرح شده مخالف نبودند. درجه توافق برای موافقت با مولفه‌ها ۱۰۰ درصد می‌باشد. در ادامه، نتایج مدل یابی PLS در خصوص پرسشنامه‌های نهایی اجرا شده روی ۱۰۰ معلم دوره ابتدایی گزارش شده است. با مقایسه مقدار t محاسبه شده برای ضریب هر مسیر می‌توان به تایید یا رد فرضیه‌ی پژوهش پرداخت. بدین سان اگر مقدار قدرمطلق آماره t بزرگ تر از ۱/۹۶ گردد، در سطح اطمینان ۹۵٪ و

در صورتی که مقدار آماره t بیشتر از ۲/۵۸ گردد، ضریب مسیر در سطح اطمینان ۹۹٪ معنادار است. نتایج آزمون مدل مفهومی تحقیق در حالت ضرایب مسیر و معناداری ضرایب در شکل زیر نشان داده شده است.



شکل ۲. مدل اصلی در حالت ضرایب مسیر

در شکل ۳ ضرایب مسیر مربوط به روابط بین عناصر برنامه درسی نشان داده شده است. اعداد نوشته شده بر روی خطوط در واقع ضرایب بتا حاصل از معادله رگرسیون میان متغیرها است که همان ضرایب مسیر است.



شکل ۳. مدل اصلی در حالت اعداد معناداری تی

اعداد موجود بر روی مسیرها نشانگر مقدار  $t$  برای هر مسیر می‌باشد. برای بررسی معنادار بودن ضرایب مسیر لازم است تا مقدار  $t$  هر مسیر بالاتر از  $1/96$  شود. در این تحلیل مقدار آماره  $t$  برای کلیه مسیرها بالاتر از  $1/96$  بوده و در نتیجه در سطح اطمینان  $95\%$  معنادار می‌باشند. بنابراین عوامل شناسایی شده قابل قبول بوده و از روایی سازه لازم برخوردارند.

### بحث و نتیجه‌گیری

شهروندی نشانه‌ای از شمول یک جامعه سیاسی یا تعلق به آن است و در این معنا (احساس تعلق) است که سرچشمه هویت محسوب می‌شود. هر جامعه در هر دوره زمانی در نتیجه مقتضیات خود از انسان‌هایی که عضو آن هستند مطالبات معینی دارد که از ذات زندگی اجتماعی سرچشمه می‌گیرد. لذا در پرتو مجموعه فعالیت‌های هدفمند و سنجیده، جامعه سعی بر آن دارد که فرد مورد پسند خود را به عنوان شهروندان امروز و فردا مجهز به مهارت‌هایی نماید که او بتواند در عرصه

زندگی فردی، اجتماعی، اقتصادی و فنی نقش موثری ایفا کند (بن حبیب<sup>۱</sup>، ۲۰۱۱). براساس مصاحبه‌ها و مطالعات کتابخانه‌ای، مولفه‌های آموزش شهروندی شامل موارد زیر است: عوامل زمینه‌ای شامل: توسعه عدالت، سلامت اجتماعی و وجود زمینه‌های قانونی مناسب است. عوامل مداخله‌گر شامل: آمادگی معلمان و مسئولین مدرسه، الگو بودن معلم و مدرسه مقیاس کوچک از جامعه است.

عوامل علی شامل: آموزش سیاسی، آموزش اجتماعی، ارزشهای اخلاقی، توسعه فرهنگی، بازسازی فرهنگی، توسعه صلح، مهارت مشارکت مدنی، مهارت زندگی جمعی است.

پدیده اصلی شامل: افزایش آگاهی سیاسی، دانش سیاسی بین‌المللی، مشارکت سیاسی، توانایی کسب دانش اجتماعی، دانش اجتماعی، آموزش زیست محیطی، ارزشهای حاکم بر جامعه، میراث فرهنگی، اتخاذ دیدگاه چندفرهنگی، فرهنگ جهانی، آموزش ارزشهای اخلاقی، آموزش نوع دوستی، آموزش مسئولیت‌پذیری، مهارت تصمیم‌گیری درست، مهارت برقراری ارتباط، تفکر انتقادی، مشارکت مدنی، توسعه عدالت، دیگرپذیری، رشد باورهای درونی صلح‌آمیز، صلح بیرونی، روابط صلح‌آمیز، اجتناب از خشونت، حل تعارض است.

استراتژی شامل: آموزش از طریق گروه‌های غیررسمی، دانش آموز، عضو فعال جامعه، مدرسه مقیاس کوچکی از جامعه، استفاده از دروس مختلف، کلاس فعال، الگو بودن معلم و ارزشیابی عملکردی است.

پیامدها شامل: بازسازی فرهنگی، افزایش انسجام اجتماعی و بهبود جو مدرسه است. نتایج تحلیل عاملی تاییدی نشان داد که عوامل شناسایی شده قابل قبول بوده و از روایی سازه لازم برخوردارند. همچنین بررسی نظرات متخصصان نشان می‌دهد که هیچ‌یک از متخصصان، با مولفه‌های مطرح شده مخالف نبودند و این درجه توافق برای موافقت با مولفه‌ها ۱۰۰ درصد را نشان می‌دهد. نتایج به دست آمده با نتایج پژوهشهای آرایش، شیخی و اجلالی (۱۳۹۸)، تیغ بخش و سعادت‌مند (۱۳۹۶)، گنجی و همکاران (۱۳۹۳) و جهانیان و حمدی (۱۳۹۲) همسو است.

همه نهادهای اجتماعی انتظار دارند که نیازهای آنها توسط نظام آموزشی تامین شود. این امر مورد تاکید متخصصین مورد مصاحبه در این پژوهش بود. آنها اظهار داشتند که یکی از اهداف آموزش

<sup>۱</sup> Benhabib

شهروندی، تربیت افرادی است که بتوانند نیاز همه نهادها اعم از سیاست، خانواده و اقتصاد را برآورده سازد. مصداق این امر را می‌توان در نظریه کارکردگرایی جستجو کرد. فرض اصلی در نظریه کارکردگرایی بر این است که جامعه و نهادهای موجود در آن مثل آموزش و پرورش، از اجزای همبسته ای فرض می‌شوند که در پیوند تنگاتنگ با یکدیگر فعالیت می‌کنند و هر کدام، کارکرد لازم و معینی را برای گردش کار و بقای کل جامعه انجام می‌دهند (علاقه بند، ۱۳۹۴). یکی از مهمترین ابعاد مطرح در آموزش شهروندی، بازسازی فرهنگی است. این امر در ادبیات نظری نیز به چشم می‌خورد. عمده نظریات جامعه شناسی بر این امر تاکید دارند که در تعاملات اجتماعی در جوامع مختلف می‌بایست، به بازسازی توجه کرد زیرا عدم توجه به این امر می‌تواند به تکرار چرخه‌های بعضا نامطلوب در جامعه منجر شود. توسلی (۱۳۹۶) اذعان می‌دارد که رابطه زیربنا و روبنا رابطه ای دوطرفه و ناموزون است زیرا تعیین کننده بودن اقتصاد در تحلیل نهایی بر این روابط حاکم است، از این رو، روبنا هیچگاه انعکاس صرف زیربنا نیست و در این مفهوم از استقلال نسبی برخوردار است. آلتوسر معتقد است روبنا منجر به بازتولید سرمایه داری می‌شود. بنا به نظر وی کار روبنا کمک به ایجاد شرایط لازم برای بقای سرمایه داری است، پس عمده کارکردش این است که بازتولید شدن سرمایه داری را امکان پذیر کند (اسمیت، ۱۳۸۷).

از دیدگاه دورکیم، آموزش و پرورش یک واقعیت اجتماعی<sup>۱</sup> است و نقش آموزش و پرورش وارد کردن و جا دادن فرد در نظام اجتماعی است. به اعتقاد وی در هر جامعه ای آموزش و پرورش متناسب با ارزشها و اهداف آن جامعه است. وی معتقد است نهایت هدف آموزش و پرورش، اجتماعی کردن افراد متناسب با ارزشها و هنجارهای حاکم بر جامعه است که توسط یک نسل بالغ بر نسل جوان انجام می‌گیرد و همچنین، چگونگی حفظ و همبستگی در جامعه است (اسکیدمور، ۱۳۹۲). طرفداران نظریه انتقادی نیز بر بازسازی اجتماعی در نظام آموزشی تاکید دارند. نظریه انتقادی در برنامه درسی به رویکردهای برخی از صاحب نظران و متفکران اطلاق می‌شود که به برنامه درسی آشکار و پنهان مدارس به عنوان وسیله بازسازی جامعه می‌نگرند (قادری، ۱۳۸۸). نویسندگان انتقادی بر آگاهی، ایدئولوژی، فرهنگ و اجتماعی شدن برای تغییر افراد و جوامع از طریق دگرگونی آگاهی تاکید داشتند که در زندگی روزمره تاثیر فراوانی دارد

<sup>۱</sup> . Social Fact

(دهقانی، ۱۳۹۰). انتقادی‌ها بر این باورند که مدرسه سازمانی است که به بازتولید ایدئولوژی مسلط و نیروی کار می‌پردازد و آموزش و پرورش درون نظام سرمایه داری معاصر، نهایتاً در خدمت قدرت است (شارع پور، ۱۳۹۴).

یکی دیگر از تاکیدات در آموزش شهروندی، رشد ارزشهای اخلاقی است. مرور ادبیات نظری نشان می‌دهد که در متون مرتبط با این موضوع، آموزش شهروندی با ارتقاء فرهنگ شهروندی ارتباط مسقیم دارد و به عنوان یک واقعیت فرهنگی همراه با عناصر کلیدی آن همواره در طول تاریخ زندگی اجتماعی انسان که به استقرار فرهنگ می‌انجامد، نقش بارزی می‌تواند داشته باشد. امروزه این آموزش‌ها در تعیین جایگاه فرد در جریان توسعه یافتگی در بستر جهانی شدن از ضرورت‌های دستیابی تلقی می‌گردد. آموزش شهروندی یک آمیختگی و رابطه تنگاتنگ با اخلاق و روابط اخلاقی دارد. این عنصر از شهروندی علاوه بر زمینه‌های سیاسی بر روابط اخلاقی بین اعضای جامعه و شرایط یگانگی و همبستگی اجتماعی و اخلاق مدنی ناظر است. این مولفه آموزشی با مشوق‌هایی چون احساس برادری، همنوعی، تعهد، و مسئولیت‌پذیری همراه است. آموزش‌های شهروندی در بعد فرهنگی اشاره به اخلاق شهروندی می‌کند در واقع باید به آموزه‌هایی حقوقی پرداخت که شهروندان در یک شهر نسبت به نهادهای اجتماعی، شهروندان باید اجرا نمایند. آموزش شهروندی از بعد فرهنگی شامل «آموزش مجموعه‌ای از هنجارها و ارزش‌هایی می‌شود که انعطاف‌پذیری بسیاری دارند و این امر ناشی راز وجود تفاوت‌ها و تنوعات فرهنگی است که در جامعه شکل می‌گیرد، از نظر ترنر آموزش فرهنگ شهروندی ارتباط به مشارکت فرهنگی افراد جامعه دارد و باید شهروندان در امور مربوط به فرهنگ عمومی جامعه آموزش (شاه‌طلبی و قپانچی، ۱۳۹۲). بر همین اساس ضروری است که ارزشهای اخلاقی هر اجتماعی، در آموزش‌های شهروندی مورد توجه قرار گیرد و برای آن محتوا و روشهای آموزشی مناسبی تدارک دیده شود.

در خصوص آموزش صلح نیز، در مصاحبه‌های به عمل آمده از متخصصین، بر پرورش تفکر صلح آمیز تاکید شده است. آموزش صلح یک اصطلاح عمومی تلقی می‌شود که باید دربرگیرنده صلح با تمام ارکان هستی باشد و صرفاً به معنای عدم خشونت و جنگ نیست. برای توجه به مولفه‌های آموزش صلح، باید به همه عناصر مرتبط با این آموزش توجه نمود. آموزش و پرورش ایران اگر



بخواهد هویت ملی و نظام ارزشی را تحکیم و اعتلا بخشد، باید نگرش آن به برنامه‌های درسی و فعالیت‌های کلاس و مدرسه تغییر یابد. یافته‌های پژوهشها نشان می‌دهد که با توجه به نبود امکانات و فرصت‌های مناسب برای معلمان، آگاهی این افراد از مؤلفه‌های آموزش صلح از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست. در این بین، موضوع مورد توجه این است که آموزش باید حرکتی برای توسعه آگاهی معلمان صورت دهد و هرگونه تغییر مثبت در جهت ارتقای آگاهی معلمان از مؤلفه‌های صلح به منظور ایجاد فضایی برای گسترش آموزش صلح نیازمند رویارویی با نقش ارزش‌ها در کتب درسی مدارس است و برای این منظور باید سیاست‌های خاصی در نظر گرفته شود. نتایج این تحقیقات نشان داد که مؤلفه‌های آموزش صلح به درستی وارد محتوای کتاب‌های درسی مدارس مقطع راهنمایی نشده است و میزان پرداختن به این مؤلفه‌ها در دروس کتاب‌های درسی این مقطع بسیار کم و ناچیز بوده است (حاجی زاده و کرمی، ۱۳۹۳). کاری که در مدارس امروز کشور ما به ندرت اتفاق می‌افتد. این امر نشان می‌دهد که نظام آموزشی کشور ما اولاً باید برنامه‌های آموزش صلح را در محتوای کتاب‌های درسی مدارس بگنجاند و ثانیاً فرصت آگاهی معلمان را از اهمیت اجرای این مؤلفه‌ها در کلاس‌های درس بیشتر فراهم سازد. نکته دیگری که از مطالعه متون علمی در خصوص آموزش صلح حاصل می‌شود این است که صلح می‌تواند با آموزش شهروندی صحیح، محقق شود. اگر همه استانداردهای آموزش شهروندی رعایت شود، به پرورش ذهن صلح‌جو منجر می‌شود. در نهایت آنچه بر اساس یافته‌ها به دست آمده است، طراحی الگوی آموزش چندفرهنگی در مدارس و به ویژه در تربیت شهروندی است.

### منابع

- بزرگی، هنگامه. (۱۳۹۳). **تشخیص عوامل سازنده در افزایش کیفیت دوره‌های آموزش ضمن خدمت کارکنان سازمان میراث فرهنگی**، پایان نامه کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر.
- حاجی زاده، هانیه و کرمی، مرتضی. (۱۳۹۳). تحلیل برنامه درسی قصد شده و اجرا شده دوره راهنمایی بر اساس مؤلفه‌های آموزش صلح یونسکو، **فصلنامه پژوهش در برنامه درسی**، ۱۱ (۲): ۱۰۹-۹۲.
- روشنی، طاهره. (۱۳۹۵). بررسی روانشناسی مدیریت نوین آموزشی آموزش مهارت زندگی مدارس ابتدایی، **مجله توسعه آموزش جندی شاپور** (فصلنامه مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی)، ۹۵: ۱۸-۴۸-۱۳۲.
- سمیعی زفرقندی، مرتضی. (۱۳۹۰). روش‌های تکمیل و بهبود نظام ضمن خدمت معلمان، **فصلنامه نوآوری آموزشی**، ۱۰ (۳۹): ۱۷۶-۱۵۱.

شاه طلبی، بدری. قلی زاده، آذر و شریفی، سعید. (۱۳۸۹). مؤلفه‌های آموزش فرهنگ شهروندی برای دانش آموزان دوره راهنمایی تحصیلی با تأکید بر حیطه آموزه‌های دینی و شهروند الکترونیک، **مجله علوم تربیتی**، ۱۰ (۳): ۱۵۷-۱۷۸.

شاه طلبی، بدری. قیانچی، اکرم. (۱۳۹۲). تأثیر آموزش‌های شهروندی بر افزایش آگاهی شهروندی کودکان هشت ساله شهر اصفهان (با تأکید بر نرم افزارهای چند رسانه ای)، **فصلنامه فناوری اطلاعات و ارتباطات در علوم تربیتی**، ۳ (۳): ۱۵۰-۱۲۹.

علیدوستی، ناصر. (۱۳۸۸). پلیس و آموزش حقوق شهروندی، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، ۱۲ (۲): ۳۱-۴۵.  
 علیزاده، محمد و عمومی، فتنه. (۱۳۹۳). **ارزیابی آموزش مؤلفه‌های شهروندی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی مازندران**، اولین همایش کشوری روشهای یاددهی و یادگیری در حوزه و دانشگاه.

فلاح نودهی، معصومه. (۱۳۸۸). **بررسی مؤلفه‌های آموزش صلح یونسکو در اسناد و مدارک جمهوری اسلامی ایران: سند چشم انداز نظام بیست ساله جمهوری اسلامی ایران**، اهداف کلی آموزش و پرورش ایران، اهداف دوره متوسطه.

فتحی واجارگاه، کورش و واحد چوکنده، سکینه. (۱۳۸۸). **آموزش شهروندی در مدارس**، تهران: نشر آیین.  
 مظاهری تهرانی، محمدعلی. شیرینی، اسماعیل و ولی پور، مصطفی. (۱۳۹۴). بررسی ماهیت و شیوع قلدری در مدارس راهنمایی روستاهای شهرستان زنجان، **فصلنامه روانشناسی تربیتی**، ۳۶: ۱۷-۳۸.

مولایی، اصغر. (۱۳۹۰). **ضرورت تمرین عملی آموزه‌های شهروندی، بعنوان مکمل آموزش‌های نظری شهروند**، سمینار آموزش رسانه و شهروندی، موسسه فرهنگی - هنری تبلور اندیشه نو.

Atligan, E. (2013). The effect of Communication Skills interpersonal Problem Solving Skills on Social Self- Efficacy, **Educational Sciences: Theory and Practice**, 13(2): 739-745

Banfield, Grant (2016). **Critical Realism for Marxist Sociology of Education**, Routledg (Taylor & Francis Group), First Publication.

Benhabib, S (2011). **The rights of others: Aliens, resident and citizens**. Cambridge: Cambridge University Press, 9<sup>th</sup> printing.

Dietrich Law, Robyn. (2011). **Acculturation Factors A Working Model during the Special Education Referral Process**. A Capstone Submitted In Partial Fulfillment Of The Requirements For The Degree Of Master Of Arts In English As A Second Language. Hamline University Saint Paul, Minnesota.

Hamatt, D and L. Staeheli (2011). Respect and Responsibility: Teaching Citizenship in South Africa High Schools, **International Journal of Educational Development**, 31: 99-118.

Heike, W., Wilfried, B.&Martin, G (2016). On applications of Rasch models in international comparative large-scale assessments: a historical review, **Journal Educational Research and Evaluation**, 30: 419-446.

- Kester, K. (2010). Education for peace: Content, Form and structure, Mobilizing Youth for Civic Engagement, **Peace and Conflict Review**, 4 (2): 58-67.
- Morgan, N. (2016). **Educational, Excellence & Everywhere**, Presented to Parliament by the Secretary of State for education by Command of Her Majesty.
- Sommerfelt, O.H., and Vambheim, V. (2008). The dream of the good'—a peace education project exploring the potential to educate for peace at the individual level, **Journal of Peace Education**, 5(1): 79-96.
- Waters S, Lester L, Cross D. (2014). Transition from primary to secondary school: Expectation vs. experience. **Australian Journal of Education**, 58(2): 153-166.
- Unesco (2015). **Global Citizenship Education**, Printed by UNESCO.
- Wood, B.E. (2013). Participatory capital: Bourdieu and citizenship education in diverse school communities, **British Journal of Sociology of Education**, 35 (4): 171-192.
- Ziba, Simon. (2011). The decentralization and Centralization of Curriculum in the Primary Educational of BurkinaFaso, Master's Theses, **Loyola University Chicago**, 14 (1): 58-70.